

تکاپوهای زنان در عرصه دانش و خدمات پزشکی از تجربه تا عمل در تمدن اسلامی عصر عباسی

* نصرت بانو عزیزی

** فاطمه جان احمدی

چکیده

دانش پزشکی در زمره علوم مهم تمدنی است. گرچه می‌توان فعالیت بانوان را در بخش خدمات پزشکی، چون درمانگری تجربی و حتی پیشگیری از بیماری‌های معمول با بهره‌گیری از دانش طب خانگی و ... بررسی کرد، اما تاکنون مطالعه مستقلی در سهم‌سنجی آنان در مطالعات دانش پزشکی تمدنی دیده نشده است و اینکه: اساساً تکاپوهای علمی - مهارتی و تجربی بانوان در تاریخ تمدن اسلامی در حوزه دانش پزشکی، کادر پزشکی و فعالیت‌های طبی منجر به ترویج دانش پزشکی در عصر عباسیان چه بوده است؟ پاسخ این سوال تنها با روشی توصیفی (به‌مثابه تاریخ) تحلیلی و استنتاجی (به اعتبار منابع) قابل دریافت است. زیرا منابع در ارائه اطلاعات مربوط به زنان به‌ویژه خدمات پزشکی صراحت لازم را ندارند. در عصرعباسیان با رشد دامنه تمدنی و به‌ویژه با ظهور زنان قدرتمند درباری، تکاپوهای علمی زنان در توسعه دانش پزشکی روبه‌فزونی نهاد. با استناد به منابع تاریخی، تکاپوهای زنان در عرصه خدمات پزشکی و درمانگری، با وقف اماکن و تجهیزات پزشکی، تأسیس بیمارستان و ... در رونق دانش پزشکی تمدن اسلامی بسیار مؤثر بود.

واژگان کلیدی

زنان، دانش پزشکی، خدمات پزشکی، تمدن اسلامی، عصر عباسی.

*. دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی گرایش تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی. azizi.nb1386@gmail.com
**. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس و مدرس دروس معارف اسلامی. f.Janahmadi@modares.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۲۹

طرح مسئله

یکی از ثمرات فتوح اسلامی، از بین رفتن مرز میان تمدن‌های بزرگ بشری است. اصلی‌ترین کانون علمی شناخته شده بعد از جندی‌شاپور، بیت‌الحکمه است که محل التقاط فرهنگی بین‌المللی در عصر عباسی بود و درهای باز آن به روی اهل علم همواره گشوده ماند. اهمیت و جایگاه والای علم و دانش در دین اسلام و علاقه حاکمان وقت به علوم جدید، سبب اخذ و اقتباس علوم، از سرزمین‌های مفتوحه، به‌ویژه ایران، توسط مسلمانان شد.

حضور فعال دانشمندان در کانون علمی بیت‌الحکمه منجر به رشد دانش‌های معمول، به‌ویژه دانش پزشکی شد. به‌دنبال فراخوان پزشکان به دربار عباسیان - که نه‌تنها از سر نیاز خلفا نبود، بلکه این خود می‌توانست به قدرت علمی دربار ایشان نیز بیانجامد - موج قابل توجهی از پزشکان ایرانی و هندی به دربار آنان سوق داده شدند. ناظر به تلاش و خواست خلفا در این میان، نقش زنان دربارنشین هم در توسعه علم پزشکی و خدمات درمانی فزونی گرفت. هرچند انعکاس حضور آشکار زنان در کتابهای تاریخی در این عرصه بسیار کم فروغ است اما نقش بی‌بدیل زنان در جایگاه مادرانه و همسرانه و مراقبت‌های ویژه درمانی - چون قابلگی، بهیاری، پرستاری، یا توسعه و ارائه خدمات عام‌المنفعه پزشکی به جامعه روزگار خویش - به همراه اختصاص بخش مهمی از ثروتشان برای توسعه اماکن درمانی، احداث بیمارستان و یا درمانگاه‌های فصلی و دائمی به‌عنوان زیر ساخت حیات پزشکی را نباید نادیده گرفت.

با وجود مطالعات متعدد درباره زنان و دانش پزشکی در تاریخ اسلام، بی‌تردید مقاله حاضر مکمل فرایند پژوهش‌های پیشین خواهد بود، زیرا این مقاله با هدف بررسی نقش و سهم زنان عصر عباسی در توسعه و ترویج نظام سلامت و تسهیل خدمات پزشکی، درصدد تشریح جایگاه، نقش و تکاپوی زنان در رشد و توسعه دانش پزشکی و تقویت حوزه سلامت در جامعه عصر عباسی خواهد بود. علاوه بر این خواهد کوشید تا ضمن برجسته‌سازی منشأ معلومات پزشکی، به نقش زنان در پیشگیری و درمان بیماری‌ها و حفظ بهداشت عمومی توجه نماید. از نتایج مطالعات مقدماتی می‌توان بر این مفروض تأکید کرد که اگرچه عصر عباسیان از سویی عصر پزشکان نامداری چون بختیشوع، ماسرجویه، ابن‌سینا و رازی است، اما بی‌توجهی به حضور زنان هم در مطالعات بعدی دور از انصاف علمی است. سایه حضور زنان نام‌آوری که هرچند به ظاهر نام و نشانی در عرصه پزشکی ندارند اما بی‌حضور آنها نیز، تمدن نمی‌تواند راه تعالی ببیماید و بی‌شک سهم آنان نیز در حیات تمدنی کمتر از مردان نیست. چنانکه این زنان بی‌ادعا توانسته‌اند با نقش‌آفرینی در ارائه و تقویت خدمات پزشکی و

بهداشت عمومی و ترویج پیشگیری و درمان، بویژه خدمات درمانی در منزل و خدمات درمانی در عرصه نظام سلامت، به جامعه خدمات مهمی عرضه کنند. بی‌تردید به دلیل ماهیت تاریخی، اساس این مقاله با روش‌های معمول علم تاریخ پیوند خورده است و منابع کتابخانه‌ای، دستمایه یافتن مستندات پژوهشی خواهند بود. در این فرایند، روش توصیفی به‌مثابه ترسیم وضعیت دانش پزشکی در عصر عباسیان و تجزیه و تحلیل داده‌های تاریخی برای تحلیل تکاپوهای زنان درباری در جهت رشد و توسعه دانش پزشکی و تسهیل فرایند تولید دانش و توسعه خدمات پزشکی و نیز استنتاج از داده‌ها و مستندات و مسلمات تاریخی، بهترین روش در تقسیم‌بندی داده‌های تاریخی خواهد بود.

نقش زنان در روند شکل‌گیری علم پزشکی

تاریخ طب با حیات بشری و دردهای انسانی پیوند خورده است. لزوم تسکین دردهای بی‌امان و نیاز به رفع احتیاجات بشری به‌ویژه دردها و مشکلاتی چون زایمان زنان و یا دردهای ناشی از جراحات جسمی، بشر را به‌سوی درمان برخاسته از تجربه و مهارت سوق داده است. آنچه مسلم است فرایند رشد و تکامل این مهارت و تبدیل شدن آن به یک دانش، بسیار آرام و در طی زمان بوده است. گرچه حیات تمدنی بشر بر دامنه‌های دانشی آن افزوده است اما هرگز از ساحت مهارت خارج نشده است و کماکان تجربه و آزمون و خطا در این دانش تجربی حرف اول را می‌زند.

در میان ادوار پر رونق دانش پزشکی، عصر عباسیان می‌تواند بستر مهم و تعیین‌کننده‌ای برای رشد دانش پزشکی بوده باشد. زیرا دستاوردهای علوم پزشکی در عصر عباسیان، ضمن دارا بودن پیشینه پزشکی جوامع تمدنی، حاصل قرن‌ها تلاش و تجربه کانون علمی چون جندی‌شاپور بوده که به راحتی به بیت‌الحکمه منتقل شده است. حضور پزشکان نام‌آور ایرانی، سریانی و هندی در دربار عباسیان موجب شد تا این عصر را عصر پزشکان بنامند. فراخوان اطبا و ورود پزشکان غیرمسلمان به سرزمین‌های اسلامی، موجبات تحریکات علمی را در مرکز خلافت اسلامی ایجاد کرد. هرچند هنوز نمی‌توان جایگاه پزشکان مسلمان در عرصه پزشکی را چندان مستحکم دانست، زیرا هنوز اعتماد جامعه به پزشکان سریانی و ایرانی بالاتر بود.^۱ از فعالیت علمی پزشکان به‌دلیل حصر در نظام خانوادگی، که به تبع آن اطلاعات درباره جزئیات خدمات و کادر پزشکی در این دوره بسیار ضعیف و محدود و مخدوش است، تصویر دقیقی وجود ندارد.

گرچه تا پیش از عصر عباسیان دست‌کم در حوزه تمدن اسلامی با قطعیت نمی‌توان از نظام

۱. ابن‌جلجل، *تاریخ الاطباء و الحكماء*، ص ۶۳ به بعد، قفطی، *تاریخ الحكماء*، ص ۱۴۰، ۱۸۳ و ۲۱۷.

پزشکی متکی بر آموزش مدرسی صحبت کرد زیرا کماکان این علم متکی بر حوزه مهارت و تجربه باقی مانده بود اما در دوره عباسیان با ترجمه و تألیف کتاب‌های پزشکی و تأسیس بیمارستان‌ها و مریض‌خانه‌های آموزشی به‌ویژه در بغداد، رفته‌رفته دامنه علم پزشکی هم توسعه پیدا کرد و به‌تبع این رشد، نویسندگان به بیماری‌های زنان و نیز مسائل مرتبط با سلامت زنان در دوره بارداری و زایمان و امور مرتبط با آن توجه بیشتری کردند. چنان‌که می‌توان به کتاب‌های یوحنا بن ماسویه اشاره کرد. دو کتاب درباره طب زنانه به او منسوب است، یکی کتاب *علاج النساء اللواتی لا یحبین حتی یحبین* که این کتاب درباره معالجه نازایی زنان بود و دیگری کتاب *لم امتنع الاطباء من علاج الحوامل فی بعض شهور حملهن* که درباره این بود که چرا بعضی اطبا از معالجه زنان آبستن در بعضی ماه‌ها امتناع می‌نمایند.^۱

از آنجا که زنان در تدبیر منزل نقش به‌سزایی داشته‌اند، می‌توان آنها را در زمینه تشخیص زود هنگام ابتلای به بیماری‌ها و استفاده از گیاهان دارویی و درمان بیماری‌ها و پرستاری، پیشگام دانست و این توجه مادرانه و همسرانه زنان را به‌مثابه ستون و پایه خانواده قلمداد کرد. به همین دلیل زمان مسئولیت حفظ سلامتی اعضای خانواده را به‌طور مستقیم برعهده داشته‌اند. هرچند علم پزشکی هم مانند دیگر علوم ابتدایی، با خرافات همراه بوده است، اما زنان با استفاده از انواع تعویذ، سنگ‌های قیمتی و نیز پزشکی تجربی به مقابله با بیماری‌ها برمی‌خواستند و به‌تدریج در محیط خانواده و جامعه، توانستند تأثیرات مثبتی از طبابت خانگی بجای بگذارند. اهمیت تغذیه در پیشگیری از بیماری‌ها، درمان، دوران نقاهت بیماری، شناخت طبع خوراکی‌ها و تأثیر انواع غذاها و میوه‌ها، استفاده از اجزاء حیوانات مانند سم مار یا زهر عقرب جهت تهیه پادزهر، استفاده از عصاره گیاهان و عرقیات، داغ کردن با آتش، تشخیص گیاهان دارویی و شناخت خواص آنها و چگونگی ترکیب و تهیه و طبخ آنها و تخصص در این امر به‌صورت تجربی از دیگر مهارت‌های بانوان بوده است. آشنایی با گیاهان دارویی که امری زمان‌بر و متکی بر تجربه و مهارت در شناسایی آنها بود، می‌توانست توسط زنان صورت گیرد، و این سهم و نقش‌آفرینی دور از ذهن نیست، چه اگر اقدامات زنان را در زمره خدمات مقدماتی پزشکی بدانیم، با کمی اغماض می‌توان زنان را اولین گیاه‌شناسان دانست.^۲

دانسته است که محتوای طب سنتی متکی بر سنت شفاهی است و عمدتاً بر مدار نظام اجتماعی خانواده‌محور، می‌گردد. مادر به‌عنوان مسئول حفظ سلامت اعضای خانواده در انتقال این سنت نقش داشته است. خصوصاً طب زنان، امراض زنانه، مامایی، زایمان و ابتلائات بعد از آن بسیار متکی بر

۱. ابن‌ابی‌اصیبه، *عیون الانباء فی طبقات الاطباء*، ص ۳۱.

۲. گیرشمن، *ایران از آغاز تا اسلام*، ص ۱۱.

زنان و قابله‌ها بوده است. زایمان و تداوم نسل بشر، دردها و مشکلات قبل و بعد از آن، که گاهی به مادر و کودک مربوط می‌شود، در زمره نخستین تجربه‌های عملی آشنایی زنان با مهارت طبابت و مامایی بوده است و به‌عنوان یک تخصص زنانه از آن یاد می‌شود. آنان در طول تاریخ توانسته‌اند تجارب خود را برای تسهیل این امر به یکدیگر منتقل کنند.

در یک استنتاج و تحلیل کلی می‌توان ادعا کرد که بخش عمده‌ای از مراقبت‌های خانگی مربوط به سلامت مادر و کودک و حتی بیماری‌های مزمن توسط زنان ارایه می‌شده است. این موضوع تاکنون نیز ادامه دارد و بانوان در خانه کماکان وظیفه حفظ سلامت درون خانه را عهده دارند. در باب تبحر تجربی زنان و کسب مهارت‌های مربوط به حفظ‌الصحه و بهداشت درون خانه و یا مهارت‌های علم پزشکی باید به این نکته توجه داشت که در صورت آشنایی زنان در نظام خانواده با مهارت‌های مراقبتی و درمانی، نیازی به مراجعه به طبیب احساس نمی‌شد. طب سنتی متکی بر تجویزات زنانه منجر به درمان در نظام خانواده است. این در حالی است که بعد از ظهور اسلام و طرح مباحث محارم، توجه به آشنایی زنان با مهارت‌های طبی بیشتر شد، چون بسیاری از مردان اجازه نمی‌دادند که در مسائل مربوط به زنان، پزشکان مرد دخالت کنند.^۱ چنان‌که تاکنون این نقش کماکان برای زنان مفروض است و درمان بیماری‌های زنانه توسط طبیبان زن انجام می‌شود.

آنچه مسلم است نیاز به حضور زنان موجب شد تا به مرور زمان، دامنه فعالیت‌های پزشکی زنان از محیط خانواده فراتر رود و برخی از زنان، دستیار پزشکان مرد شدند و گاهی زنان پزشک نیز به جایگاه طبیبه می‌رسیدند. روایت طبری و زهرای که در ادامه به آن اشاره می‌شود بیانگر این امر می‌باشد.

نقش و جایگاه زنان در امور پزشکی در صدر اسلام

یکی از دغدغه‌های مسلمانان با توجه به اهتمام دین اسلام به علم‌آموزی، امر تحصیل و تدریس علم و دانش است. عدم توجه به جنسیت در علم‌آموزی، تکلیف زنان را هم برای کسب دانش بیشتر می‌کرد^۲ و زنان نیز با وجود محدودیت‌ها در این وادی بسیار کوشیدند.

فقر منابع تاریخی در انعکاس زندگی اجتماعی مردم و نیز بی‌توجهی مورخان به انعکاس جایگاه علمی زنان، موجب شده است تا اطلاعات دقیقی از تاریخ آموزش به‌طور کلی، و تاریخ علم‌آموزی زنان به‌طور اخص، در دست نباشد. به همین دلیل تاریخ دانش پزشکی در دوره اسلامی، نمی‌تواند تاریخی

۱. صفوری، *نزهة المجالس و منتخب النفائس*، ص ۲۸.

۲. مجادله (۵۸) : ۱۱. «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ».

کامل بوده باشد. علی‌رغم توصیه‌های دین مبین اسلام به اجرای حدود الهی و پرهیز از اختلاط با نامحرمان به‌ویژه در بیماری‌های مربوط به زنان، می‌بایست توجه اقشار عمومی را به سوی قشری از طبیبان زن معطوف کرده باشد، اما منابع گاهی تنها به استفاده از ضمایر مؤنث اکتفا کرده‌اند و اطلاعات مهم و درخوری در این زمینه ارائه نمی‌دهند، بنابراین می‌بایست با روش استنتاج از رخدادهای تاریخی و برخی اشارات مطول در منابع، به سرنخ‌های لازم در حیات اجتماعی پزشکان زن رسید و از بانوانی یاد کرد که در صدر اسلام عنوان درمانگر و پرستار را احراز کرده‌اند.^۱ همچنین دانش قابلگی و مامایی، طبابت، جراحی، شکسته‌بندی و حتی روان‌درمانی و مشاوره، از شغل‌های زنان در صدر اسلام بوده است.^۲

برخی وظایف عمومی‌تر مانند مداوای بیماران، پانسمان جراحات‌های مجروحین در جنگ‌ها و پرستاری‌های طولانی از بیماران ناتوان، از مشاغل مرسوم زنان در صدر اسلام بوده است. احادیث و روایات مرتبط با حفظ بهداشت و نگهداری از فرزندان و بیماران و پاداش معنوی این خدمات، نشان می‌دهد که زنان در موقعیت درمانگری و خدمات پزشکی بسیار توانمند بوده‌اند.

با رجوع به تاریخ صدر اسلام می‌توان فهرستی از زنان خدمتگزار در عرصه درمانی و پرستاری را تهیه کرد. چنان‌که منابع از رفیده یا کعبیه دختر سعد - پرستار داوطلب در جنگ‌های عصر پیامبر ﷺ - نام می‌برند. او جهت مداوای مجروحان جنگی، خیمه‌ای مخصوص داشت.^۳ او بنا بر نقل منبع، خود را وقف خدمت به مجاهدان و جهادگران مسلمان کرده بود و گویا اولین پرستار در اسلام بوده است.^۴ هنگامی که سعد بن معاذ از بزرگان انصار، مجروح گردید، به دستور پیامبر ﷺ وی را جهت مداوا به خیمه رفیده در کنار مسجد بردند. به نظر می‌رسد اولین بیمارستان پس از اسلام نیز همین خیمه‌ای باشد که به دستور پیامبر ﷺ در صحن مسجد و به جهت مداوای مجروحین برپا شد و توسط رفیده اداره می‌شد.^۵ بیمارستان‌های صحرائی و سیار که به مناسبت جنگ، بیماری مسری و ... ساخته می‌شد، زمینه‌ساز ساخت بیمارستان‌های ثابت در دوره‌های بعد خصوصاً عصر عباسی شد.

ام‌سنان اسلمیه، هم یکی دیگر از نمونه‌های زنان نام‌آور عصر رسول خدا ﷺ است که داوطلبانه برای شرکت در جنگ، نزد رسول خدا ﷺ رفت و برای حضور در پشت جبهه و مداوای مجروحان در

۱. قرطبی، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۴، ص ۱۸۳۸.

۲. ابن اثیر، أسد الغابة، ج ۶، ص ۱۶۲، ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۸، ص ۲۲۷.

۳. ابن اثیر، أسد الغابة، ج ۵، ص ۴۵۴.

۴. قرطبی، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج ۴، ص ۱۸۳۸.

۵. عیسی، تاریخ الیمارستانات فی الإسلام، ص ۹ - ۸.

جنگ از ایشان اذن شرکت در جنگ گرفت و حضرت به ایشان اجازه داد.^۱

مطابق اسناد موجود، سلمی مولاة صفیه، قابله حضرت خدیجه رضی الله عنها در هنگام تولد فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است.^۲ ام‌المنذر، اسما بنت ابوبکر و عایشه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، أم عطیه انصاری و ... نیز مواردی از طبابت را می‌دانستند.^۳

خواهر الحفید بن زهر و دخترش در پزشکی عمومی و بیماری‌های زنان تخصص داشتند.^۴ معروف‌ترین پزشک صدر اسلام زینب بنی اود طیبیه است که در امور طبی آگاهی کاملی داشت و در دوران خود به چشم‌پزشکی و طبابت مشهور بود و در معالجه و مداوای بیماری‌های چشم و زخم‌ها بسیار تبحر داشت.^۵

ابوالفرج اصفهانی در کتاب *الانغانی الکبیر* از قول محمد بن خلف مرزبان از جد پدری کناسه برای ما نقل کرد: من نزد زنی از قبیله بنی‌اود رفتم که درد چشمم را معالجه کند. او هم سرمه‌ای به چشمم ریخت و گفت: قدری دراز بکش تا دارو در چشمت بگردد. منم دراز کشیدم و شعری را خواندم:

أ محترمی ریب المنون و لم أزر طیب بنی اود علی التّأی زینبا
به فکر مردم افتاده‌ای و منتظر مرگ هستی؛
در حالی که نزد طیب بنی اود که دور از محل تو و نامش زینب است نرفته‌ای.

او خندید و گفت میدانی این شعر برای کیست؟ گفتم: نه، گفت: من زینب طیب بنی‌اود هستم و عمویم ابوسماک الأسدی این شعر را برایم سروده است.^۶ ابن‌ابی‌اصیبیه نیز این زن را در شمار پزشکان قرن اول هجری آورده است.^۷

نقش زنان در امور پزشکی در عصر عباسی

یک قرن پس از ظهور اسلام، دولت اسلامی به یک امپراتوری گسترده و بزرگ تبدیل شد و با توجه

۱. عسقلانی، *الإصابة فی تمییز الصحابة*، ج ۸، ص ۴۱۲.
۲. همان، ص ۱۸۹.
۳. عیسی، *تاریخ البیمارستانات فی الإسلام*، ص ۵.
۴. همان، ص ۱۶.
۵. ابن‌ابی‌اصیبیه، *عیون الأنباء فی طبقات الأطباء*، ص ۱۸۱.
۶. ابوالفرج اصفهانی، *الانغانی*، ج ۱۳، ص ۲۳۱.
۷. ابن‌ابی‌اصیبیه، *عیون الأنباء فی طبقات الأطباء*، ص ۱۸۱.

به نقش قابل توجه مشرق زمین در پیشرفت علوم و مرکزیت سیاسی، فرهنگی و علمی در عصر طلایی اسلام، بررسی این دوره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. با شکل‌گیری تمدن اسلامی، سراسر سرزمین‌های مسلمین، شاهد شکوفایی علم و ادب و رشد دانشمندان بسیاری بود، عوامل بسیاری در شکوفایی تمدن عباسیان نقش داشته است و به هیچ عنوان نمی‌توان نقش زنان را در پیشرفت و تأثیرگذاری و تحول‌آفرینی علوم مختلف انکار کرد. زیرا گسترش قلمرو خلافت، سبب حضور زنانی از دیگر ملل و نژادها در دربار عباسی شد که تأثیرات بسیاری بر روند تمدنی این عصر گذاشت. با این وجود یکی از مهم‌ترین مشکلات تاریخ زنان، پیدا کردن نام بانوان تأثیرگذار در حوزه‌های مختلف علوم است، هرچند باید توجه داشت که در این دوره شرایط برای حضور آشکار زنان در امور پزشکی آماده نبوده است و این امر، دشواری پژوهش در تاریخ زنان را نشان می‌دهد. ولی معمولاً در حرمسرا چندین خانم در زمینه‌های پزشکی و درمان بیماری‌های زنان و قابلیت، دارای مهارت و تخصص بودند و به بعضی از علوم پزشکی نظری نیز آشنایی داشتند که وظیفه درمان زنان باردار و نگهداری از نوزادان، به عهده آنان بود. در آن دوره در کنار طبیبان - به‌خاطر حفظ مسائل شرعی - همیشه یک قابله حضور داشت که گاهی اعمال جراحی نیز انجام می‌داد و این امر تا حدی طبابت مردانه و زنانه را از هم مجزا می‌ساخت. هرچند کار قابلیت و مامایی کاملاً محدود به زنان نبود و در جراحی‌ها و زایمان‌های دشوار، اغلب مردان پزشک همکاری می‌کردند، زیرا زنان از نظر اطلاعات نظری، آموزش‌های لازم را نداشتند. مراجعه زنان به همدیگر در مشکلات زایمان و شیر دادن به نوزاد و مسائل مربوط به آن و بیماری‌های کودکان و شیوه‌های درمانی، امری رایج بوده است و مورخین و پزشکان، از طبیبه‌های بسیاری بدون ذکر نام یاد کرده‌اند که جراحی و طبابت انجام می‌دادند.

نقش زنان طبیب و جراح در علم پزشکی عصر عباسی

تبحر زنان در امور پزشکی و خصوصاً جراحی را می‌توان از سخنان خلف بن عباس الزهراوی پزشک و جراح قرن چهارم دریافت. او درمان بیماری‌های زنان، جراحی مجرای ادرار و جراحی سنگ مثانه را اختصاصاً توسط طبیبه و در صورت عدم حضور طبیبه، توسط یک ماما، همراه با یک پزشک که به او دستورات لازم را می‌دهد، امکان‌پذیر می‌داند^۱ و این امر نشان می‌دهد که در آن ایام ماماها زنی وجود داشتند که دارای تعلیمات عالیه پزشکی و تخصص جراحی بودند و جراحی‌های زنان را انجام می‌دادند.

۱. الزهراوی، *الجراحة*، المقالة الثلاثون من التصريف لمن عجز عن التأليف، ص ۲۹۰.

الگود، با توجه به این پیشینه و کتاب جراحی ایلخانی معتقد است که عنوان طبیبه به ماماهاایی اطلاق می‌شد که دارای مقام علمی بالاتری از حد معمول بودند.^۱

طبری در حوادث سال ۲۹۰ ق از زنی طبیبه یاد می‌کند که معالج بیماری زنان و معالجات جراحات و زخم بود. شرح ماجرا آن است که زنی زخمی، که خود قابله بوده است، به ابوالحسن کحال مراجعه می‌کند و بر شانه‌اش زخمی بوده و کحال او را نزد طبیبه هدایت می‌کند و زن زخمی توسط طبیبه معاینه می‌شود و طبیبه بر زخمش مرهم می‌گذارد. وقتی کحال وضعیت زنی که کنفش زخمی شده بود را از طبیبه می‌پرسد وی با توجه به معایناتش در تشخیص نهایی، وضعیت زن را وخیم ارزیابی می‌کند.^۲ تنوخی نیز نقل می‌کند که پیرزنی درمانگر در روستایی نزدیک به مابروان از توابع شهر انبار، «بثورات» روی پایش را به وسیله پماد درمان کرده است و تشخیص پیرزن، بیماری «دروک» بوده است و مرهمی بر روی زخم قرار داده که سه روز بر روی آن بماند و پس از سه روز آن را از روی زخم بردارد تا بهبود بیابد.^۳

زهرای در قرن چهارم، تشخیص انواع بیماریهای زنانه، مشکلات بارداری، چگونگی درمان آنها و زایمان‌های مشکل و غیرطبیعی را به مهارت و تخصص زنان ماما وابسته می‌داند.^۴ گاهی درمانگری طبیبه‌ها، در برابر درمان پزشکان مشهور مطرح می‌شد، چنانچه جوزجانی در کتاب *زندگی ابن سینا* از زنی طبیبه یاد می‌کند که در مقابل ابن سینا که سردرد خودش را با بسته یخ درمان کرد، زن طبیبه سردرد خود را با مصرف عسل گل رز درمان کرد.^۵

با توجه به موارد ذکر شده به نظر می‌رسد که زنان در این دوره اغلب در شاخه‌های پزشکی مانند جراحی، شکسته‌بندی، کحالی، بیماری‌های زنان و قابلگی تبحر داشتند. تخصص زنان در کحالی بیشتر نمود داشته است، در واقع، زنان زیادی به‌عنوان چشم‌پزشک کار می‌کردند، و این شاید برگرفته از ظرافتی باشد که در چشم‌پزشکی وجود داشته است. اما این امر که با چه روش‌هایی معالجه انجام می‌دادند، ناشناخته است.^۶ مثلاً یکی از زنان کحاله در فهرست دریافت‌کنندگان مقررری بیمارستان بوده، زیرا او جزء طبقه پایین جامعه است و نیز فتوای فقهی قاضی ابن‌زیاد (م. ۹۲۴ م) به عمل

۱. الگود، *طب در دوره صفویه*، ص ۲۴۰.

۲. طبری، *تاریخ الأمم والملوک*، ج ۱۰، ص ۱۰۳ - ۱۰۰.

۳. تنوخی، *نشوار المحاضرة وأخبار المداكرة*، ج ۲، ص ۹۴.

۴. الزهرای، *التصريف لمن عجز عن التأليف*، ص ۲۷، ۷۵، ۸۵۷، ۸۴۵، ۸۶۷ و ۸۸۶.

۵. جوزجانی، *احوال الرجال*، ص ۷۵ - ۷۲.

۶. ابن‌ابی‌اصیبه، *عیون الأنباء فی طبقات الأطباء*، ج ۱، ص ۱۸۱.

پزشکان زن (طیبیه)، اشاره دارد. همچنین پورمن نیز گزارشی از طبابت زنان آورده است بدین بیان که زنی، دختری را درمان کرد و نزاع بین طیبیه و مادر دختر بر سر مبلغ معالجه در گرفت.^۱

جایگاه زنان طیبیه در جامعه عصر عباسی

با وجود اینکه زنان این عرصه به عنوان درمانگر سنتی و خودآموز و مراقبت کننده، اساساً جزو جامعه گسترده تر سلامتی، محسوب می شدند اما همیشه درمانگری زنان، با استقبال پزشکان مرد روبه رو نمی شد و از پزشکان زن به ندرت در کتب پزشکی عصر عباسی روایت شده است. گرچه این قبیل پزشکان به این واقعیت تأکید می کردند که گاه درمانگرهای زن رقیب بالقوه قدرتمندی برای همتایان مرد، محسوب می شوند و مراجعان بسیاری دارند. رازی درباره زنانی که بیماران او را شکار می کنند، چند نمونه عینی، ارایه می نماید و در یکی از خاطرات پزشکی خود می نویسد: یکی از کارمندان بیمارستان او به علت زخمی که در یکی از انگشتان خود داشت و نمی توانست آن را حرکت دهد، به وی مراجعه کرد و چون رازی از درمان آن عاجز شد، مرد بیمار علناً به دشنام او پرداخت و گفت: تو که نمی توانی یک زخم کوچک انگشت را درمان کنی چگونه می خواهی دنده ها و دست های شکسته مردم را بهبود بخشی؟ رازی سپس اضافه می کند که این شخص به جهت نرسیدن به نتیجه مطلوب، از سوی رازی به اطبای زن مراجعه می کند و خود را درمان می کند.^۲

موفقیت طیبیه ها از یک سو و حضور زنان درمانگر خانگی از سوی دیگر و بازار داغ پزشکان غیرحاذق در عرصه پزشکی، رازی را بر آن داشت که کتابی در این باب بنویسد: «رسالة في أن الصانِع المتعرف بصناعته مَعْدُومٌ في جلِّ الصناعات لَأ في الطَّبِّ خَاصَّةً وَ الْعِلَّةُ الَّتِي من أَجْلِهَا صَارَ يَنْجَحُ جِهَالُ الْأَطْيَاءِ وَالْعَوَامِ وَالنِّسَاءِ في المَدَنِ في علاج بعض الأَمْرَاضِ أَكْثَرُ من الْعُلَمَاءِ وَعَدَرَ الطَّيِّبِ في ذَلِكَ» یعنی: «رساله ای درباره اینکه پیشه ور آشنا به کار خود در همه هنرها و پیشه ها نایاب است، نه تنها در فن پزشکی؛ چگونه پزشکان غیرحاذق، مردم عادی و زنان در برخی شهرها در معالجات خود بیش از پزشکان دانشمند موفق می شوند و بیان عذر پزشک».^۳

رازی در این رساله و چند رساله دیگر، از دخالت عوام الناس و زنان در امور پزشکی انتقاد می کند و بر عدم اهلیت پزشکی آنان تأکید می کند و در این باب، از فردی یاد می کند که از سنگ صفرا رنج می برد و رازی او را درمان کرد درحالی که پیش از مراجعه به او، مدت زمانی طولانی تحت درمان

۱. پورمن، پزشکی اسلامی در دوره میانه، ص ۱۸۶.

۲. الکو، تاریخ پزشکی ایران و سرزمین های خلافت شرقی، ص ۲۸۸.

۳. ابن ابی اصیبه، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، ص ۴۲۵.

زنان بوده؛ بیمار وقتی درمانگر زن را تغییر داد و برای درمان به رازی رجوع کرد، در مدت کوتاهی معالجه شد. به این دلیل او درمانگری زنان را نامرتبب تلقی می‌کند^۱ و آن را هم‌ردیف نسخه‌دادن جهال و عوام مطرح می‌کند. با این حال از دو منظر می‌توان این کتاب را مورد بررسی قرار داد:

اول اینکه گاهی زنان و مردم عوام از پزشکان معروف در امر درمان موفق‌تر بوده‌اند چراکه پزشکی تجربه بود و ممارست در تجربه، لذا گاهی درمانگران محلی حاذق‌تر می‌باشند. دیدگاه دیگر که مورد توجه بعضی از پزشکان مرد بوده این است که زنان در امر پزشکی - که به گمان آنها حرفه‌ای مردانه بوده است - دخالت می‌کردند. البته در بسیاری از موارد، پزشکان مرد، ناگزیر از همکاری با طبیبه‌ها بوده‌اند، همان‌طور که رازی در کتاب *الحاوی* ضمن نقل حکایات و خاطرات پزشکی، ماجرای سقط جنین زنی (همسر ابو عیسی) را نوشته است که جهت معاینه و انجام امور درمانی، از یک زن ماما کمک گرفته است^۲ و در این بخش بر توفیق آنان در علم پزشکی صحه می‌گذارد و این امر بیانگر مبارزه سرسختانه زنان برای کسب علم پزشکی و درمان بیماران و حضور اجتماعی در جامعه آن روز بوده است.

با وجود خدمات ارزنده زنان در حوزه پزشکی، گاه بعضی پزشکان مرد، طبیبه‌ها را از دسته شیدان و جادوگران می‌دانستند که به دختران جوان داروی «مهر و محبت» می‌دهند و یا بیمارانی را که از درمان توسط پزشکان ناامیدند، شیدانه به سمت خود جذب می‌کنند. انجام امور درمانی توسط کاهنه‌ها و زنان جادوگر سبب شد که امور پزشکی گاهی جلوه مرموزانه و ماورایی یابد و این امر محدود به روستاها و حومه شهرها نمی‌شد. جوینی زنان مناطق ماوراءالنهر و ترکستان را مدعی پری‌داری می‌داند که به‌وسیله ارتباط با اجنه، بیماری را از بدن بیماران بیرون می‌کنند.^۳

ابن‌خلدون معتقد است که در اجتماعات بادیه‌نشین، نوعی پزشکی وجود دارد که غالباً بر تجربیات کوتاه و کم‌دامنه برخی از اشخاص مبتنی است و آن طب به‌طور وراثتی از مشایخ و پیرزنان قبیله، نسل به نسل به فرزندان منتقل می‌شود. چه‌بسا که بعضی از بیماران به‌سبب آن بهبود می‌یافتند، ولی نه برحسب قانون طبیعی و نه موافق با مزاج بوده است؛ قبایل عرب از اینگونه تجارب طبی بهره‌وافری داشتند.^۴

جایگاه زنان طبیبه در منابع ادبی عصر عباسی

در کنار منابع تاریخ پزشکی، منابع ادبی نیز در ترسیم وضعیت اجتماعی بسیار مؤثر بودند و در پاره‌ای

۱. پورمن، *پزشکی اسلامی در دوره میانه*، ص ۱۸۵ - ۱۸۴.

۲. رازی، *الحاوی*، ج ۴، ص ۵۲۲.

۳. جوینی، *تاریخ جهانگشای جوینی*، ج ۱، ص ۸۵.

۴. ابن‌خلدون، *مقدمه*، ج ۲، ص ۱۰۳۴.

موارد اطلاعات درخوری ارائه داده‌اند، درمیان این کتاب‌ها اثر داستانی *هزار و یک شب* با وجوه غالب ادبی و برخورداری از صنعت استعاره، و تخیل متکی بر واقع آن، می‌تواند تصویری کلی از مشارکت و تکاپوهای درمانی زنان، حتی در حد مطلوب ارائه دهد. هرچند این مجموعه ادبی، به‌عنوان یک سند تاریخی مورد توجه نیست، اما به‌عنوان منبع کمکی تاریخی، برای درک بهتر وضعیت اجتماعی، قابل استفاده است و می‌تواند شاهدهی بر وقایع آن روزگاران باشد. در این کتاب از کنیزی حاذق و دانشمند در عصر هارون‌الرشید به نام تودد نام برده می‌شود که اطلاعات پزشکی فوق‌العاده‌ای دارد و با پزشک دربار مناظره می‌کند و او را شکست می‌دهد. پاسخ‌های کنیزک به سؤالات پزشک دربار درخصوص چگونگی و تشریح اندام‌ها و شناسایی استخوان‌ها، طبایع و مزاج‌ها، شعب و شاخه‌های رگ‌ها و روح و حواس پنجگانه انسان، دردشناسی، علائم ظاهری و باطنی بیماری، پرهیز و رژیم غذایی، نشانه‌های صحت و راز تندرستی، فایده و ضرر انواع طعام، نشانه آگاهی یک کنیزک باسواد از حوزه پزشکی است.^۱ همچنین در این کتاب از طبیبه زیباروی حاذقی به نام شیخه راجحه نام برده شده که هرگاه شیخ طیب - که به علم طب، معرفت تمام داشت و صاحب فراست و فطانت بود - از معالجه بیماران ناامید می‌شد، بیمار را برای درمان نزد شیخه راجحه می‌فرستاد و او از جانب ابوالعباس خضر به شفا دادن بیماران مأذون بوده است. معمولاً این بانوی پزشک، خود را با پرده‌ای از دید بیماران مرد محفوظ می‌داشت ولی گاهی اوقات هم به آنان اجازه می‌داد که در برابر او حاضر شوند.^۲

نقاشی‌ها و تصاویر به‌جامانده در حیطه پزشکی در عصر عباسی، خصوصاً تصاویر زنان در حال طبابت و یا مشارکت در امر درمان، به‌علت تحریم صورتگری به‌ویژه صورتگری زنان در اسلام، بسیار محدود است. با این حال نقاشی‌های کتاب *مقامات حریری و جراحی ایلخانی* که دست‌کم دو قرن پس از عباسیان نوشته شده است، تصاویری از زنان را در امور پزشکی نشان داده است و شاید بتوان به این نقاشی‌ها از این منظر استناد کرد که این تصاویر عمومی است و نمی‌تواند مختص یک دوره خاص بوده باشد و تلقی هنرمندان و تصویرگری یک فضای عمومی که از قبل بوده است و کماکان در عرصه خدمات درمانگری وجود دارد، گونه‌ای تداوم را به ذهن متبادر می‌کند و بیانگر فعالیت‌های زنان در عصر تصویرگر، و نیز قرون گذشته بوده است. تصاویر کتب ادبی به‌ویژه شاهنامه و یا کتب داستانی و همچنین تصاویر موجود بر روی ظروف باقیمانده از آن دوران، می‌تواند به عمده فعالیت زنان در این حوزه اشاره نماید (نمونه این تصاویر در قسمت پیوست موجود است).

۱. طسوجی تبریزی، *هزار و یک‌شب*، ج ۳، ص ۱۲۴ - ۱۱۸.

۲. همان، ج ۵، ص ۴۴۹.

نقش زنان در تدوین کتب پزشکی

یکی از نکات قابل توجه در حوزه سلامت مادر و کودک و اهمیت به این مسئله، سفارش و توصیه به تألیف کتاب و یا ترجمه توسط پزشک مؤلف بوده است. در دوره عباسیان به منظور حفظ سلامتی و ترویج خدمات پزشکی، گاه زنان درباری سفارش به ترجمه و یا تألیف کتاب پزشکی داده‌اند، چنان‌که قفطی متذکر می‌شود که به سفارش مادر متوکل «شجاع»، کتابی به نام *المولودین لستة اشهر* توسط حنین بن اسحاق درباره نوزادانی که شش ماهه به دنیا می‌آیند، نوشته یا ترجمه شده است؛ به نظر می‌رسد که این کتاب در زمره نخستین مراجع علمی پزشکی در حوزه سلامت و درمان نوزادان باشد که به درخواست یک زن صاحب نام چون مادر خلیفه تألیف شده است.^۱ علاقه مادر متوکل به تألیف چنین کتابی پزشکی، در باب نشان می‌دهد که برخی از بانوان در فعالیت مستقیم عرضه، انتقال و تخصص دانش پزشکی دخیل بوده‌اند. چنانکه با حمایت شجاع مادر متوکل از کتاب پزشکی حنین بن اسحاق، به روند انتقال این شاخه از علم پزشکی به آیندگان، کمک بسیاری شده است. بی‌تردید حمایت و پشتیبانی مالی و حتی فکری در تألیف یک اثر، به اندازه خود اثر می‌تواند در ترویج دانش مؤثر باشد.

نقش زنان در خدمات عام‌المنفعه پزشکی در عصر عباسی

در عصر عباسی، زنان درباری در حوزه خدمات پزشکی توانستند با انجام خدمات عام‌المنفعه و خیریه، به‌عنوان الگویی کارآمد برای دیگر زنان در سطوح مختلف اجتماعی قرار بگیرند، همچنین زنان ثروتمند این دوره، با آزادی عمل، ثروت خود را صرف امور خیریه می‌کردند. زنان سایر سرزمین‌های غیرمسلمان که وارد جامعه اسلامی شدند نیز تحت‌تأثیر فرهنگ و تمدن کشورهای اسلامی قرار گرفتند و به تبعیت از آنان اقداماتی مانند وقف و خدمات عام‌المنفعه انجام دادند که بارزترین این زنان، بانوان دربار سلجوقی بودند. این خدمات در قالب‌های متفاوتی در این دوره ارائه شده است که عبارتند از:

۱. تأسیس و یا تأمین مالی بیمارستان

یکی از اقدامات بانوان در عصر عباسی، تأسیس بیمارستان و یا تأمین مالی فعالیت‌های بیمارستانی است که به‌عنوان بخشی از روند انتقال دانش پزشکی بسیار حائز اهمیت است. حمایت زنان از درمانگاه‌ها و بیمارستان‌ها، سبب دسترسی بهتر آحاد جامعه به خدمات پزشکی و تأمین هزینه‌ها، موجبات ارتقای کیفیت آن شد. بیمارستان‌ها معمولاً دو قسمت کاملاً جداگانه داشته‌اند و به دلیل

۱. قفطی، *تاریخ الحكماء*، ص ۲۳۹.

احکام شرعی - که بر پوشیدگی زنان تأکید دارد - این امر ضروری بود که پرستاران و خدمتگزاران، همجنس بیمار باشند، گرچه پزشکان و جراحان همه از مردان بوده‌اند. قطعاً زنانی که در طول دوره عباسی - از شرق امپراتوری اسلامی تا غرب آن - به تأسیس بیمارستان اقدام نموده‌اند، بسیاریند که در اینجا به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود:

یک. بیمارستان بدر (مادر متوکل)

شجاع مادر خلیفه متوکل عباسی از اولین بانوانی است که اقدامات او از جمله سفارش ترجمه یا نگارش کتاب پزشکی و همچنین کمک مالی به بیمارستان به صورت مستقیم در منابع شرح داده شده است. او برای تأمین مالی فعالیت بیمارستان بدر در بغداد - که توسط بدر، رئیس ارتش تأسیس شده بود - اموالی را به صورت رسمی وقف کرد که امور خیریه از جمله این وقفیات در دست ابی‌الصقر وهب بن محمد الکلوذانی بود و قسمتی از آن به بیمارستان اختصاص داشت.^۱

دو. بیمارستان شغب (مادر مقتدر)

بعد از تأسیس بیمارستان بدر، در مدت کوتاهی چندین بیمارستان دیگر در بغداد تأسیس شد. یکی از بزرگترین آنها بیمارستان شغب، مادر خلیفه مقتدر است که در سال ۳۰۶ ق در رصافه ساخته شد و طبیب و مورخ مشهور أبوسعید سنان بن ثابت آن را افتتاح کرد و اداره بیمارستان به او سپرده شد. در آن زمان پزشکان پس از قبولی در امتحان، از وی اجازه‌نامه پزشکی دریافت می‌کردند. وسعت و دامنه خدماتی که بیمارستان شغب برای بیماران ارائه می‌داد را با توجه به مقرری ماهانه‌ای که ام‌المقتدر برای آن قرار داده بود می‌توان تا حدی حدس زد، زیرا بیمارستان مقتدر که هم‌زمان با آن ساخته شد، ۲۰۰ دینار در ماه مقرری داشت، درحالی‌که در بیمارستان شغب ۶۰۰ دینار هزینه می‌شد که در دست یوسف بن یحیی المنجم بود. ابن تغری بردی، مبلغ مقرری سالیانه را هفت هزار دینار نوشته است که در مقابل مقرری بیمارستان مقتدر مبلغ قابل توجهی است.^۲

سه. بیمارستان ترکان خاتون

ترکان خاتون (۴۸۷ ق) دختر طغفاج خان پادشاه سمرقند و همسر ملکشاه سلجوقی بود. وی آثار و ابنیه زیادی مانند مسجد، مدرسه و بیمارستان در سرتاسر قلمرو حکومت خود و همسرش بنا نهاد^۳ که اطلاعات دقیقی از بیمارستان او در دست نیست.

۱. عیسی، تاریخ البیمارستانات فی الإسلام، ص ۱۸۰.

۲. ابن ابی‌اصیبه، عیون الأنباء فی طبقات الأطباء، ج ۱، ص ۳۰۲.

۳. راوندی، راحة الصدور، ص ۱۳۳.

چهار. بیمارستان قتلغ ترکان

ترکان خاتون ملقب به عصمت‌الدین قتلغ‌ترکان زنی کاردار و فرمانروا بود که در طی دوران حکومت همسرش و خودش در کرمان، اقدامات عام‌المنفعه زیادی انجام داد که از جمله آنها ساخت بیمارستان بوده است.^۱

پنج. بیمارستان کوهی خاتون

بیمارستان قیساریه^۲ منسوب به کوهی‌خاتون دختر قلیچ أرسلان سلجوقی است که در سال ۶۰۲ ق آن را ساخته و به مدرسه «شفائیة غیاثیة» معروف است، زیرا با دستور غیاث‌الدین پسر قلیچ أرسلان و بنا بر وصیت کوهی‌خاتون ساخته شده و با توجه به اینکه نام مدرسه نیز بر آن اطلاق شده است، احتمالاً این بیمارستان، مرکز آموزشی نیز بوده است. بر روی بیمارستان به خط سلجوقی نوشته شده است: «أیام السلطان المعظم غیاث الدین والیدین کیخسرو بن قلیچ أرسلان دامت. اتفق بناء هذا المارستان وصیة عن الملكة عصمة الدینا والیدین کوهی نسیبة ابنة قلیچ أرسلان سنة ۶۰۲ ق».^۳ با توجه به شواهد زمانی و مکانی، احتمال دارد که این بیمارستان همان دارالشفای «جوهر نسیبه خاتون» باشد که با عنوان «بیمارستان گوهر نسیبه سلطان» تأسیس شد.^۴

شش. بیمارستان دیورکی^۵

این بیمارستان به سفارش توران‌خاتون همسر احمدشاه رانشمندی، از دست‌نشانندگان سلاطین سلجوقی در سال ۶۱۴ ق ساخته شده است و خوشبختانه تا به امروز باقی مانده است.^۶

۲. اهدا دارو

فعالیت‌های خیرخواهانه بانوان صدر عباسی یک الگوی موفق برای زنانی بود که بعدها از نظر سیاسی قدرتمند شدند. بانوان خیر این دوره با ارائه خدمات گوناگونی دست به فعالیت زدند؛ تخصیص دارو برای زائران و حمل زائران بیمار به وسیله شتران وقف شده در مسیر سفر حجاج،

۱. مستوفی، تاریخ گزیده، ص ۵۳۲ - ۵۳۰.

۲. قیصریه: شهری است در ترکیه در جنوب شرقی آنکارا و در ساحل رودخانه قره‌سو که در مغرب سیواس قرار دارد. (فرهنگ معین / اعلام)

۳. عیسی، تاریخ بیمارستانات فی الإسلام، ص ۲۷۰.

۴. بلانین و دیگران، بازشناسی ویژگی‌های معماری ایران و بازتاب آن در معماری عثمانی، ش ۲۵، ص ۵۸.

۵. شهری در شرق استان سیواس ترکیه. (طاووسی و جلالی، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۸)

۶. عیسی، تاریخ بیمارستانات فی الإسلام، ص ۲۷۵.

یکی از این خدمات بود. شغب مادر مقتدر، مبلغی را برای توزیع دارو به زائران حج اختصاص داد و در دوره‌های بعد این سنت ادامه پیدا کرد و زنان، خدمات قابل توجهی برای زائران بیمار انجام دادند. به‌طور کلی، دادن پول به مؤسسات خیریه مختلف به نفع زائران، یک عرف گسترده در بین مادران خلفا و امرا بود.

یکی دیگر از خدمات پزشکی این دوره، اهدا داروها و معجون‌ها به بیمارستان است، چنان‌که وقتی مادر زمردخاتون (یا خود زمردخاتون) فوت کرد، داروها و معجون‌هایش را به بیمارستانی در بغداد دادند. بدیهی است که انجام دادن این‌گونه امور نیازمند روحیه خاص، توان مالی، حق تملک و اقتدار اجرایی بوده، که بیانگر استقلال مالی و فکری بانوان است، هرچند که گاه از درون حرمسراها و به‌صورت غیررسمی نقش خود را ایفا می‌کردند.^۱

۳. ارتقاء بهداشت عمومی در جهت جلوگیری از شیوع بیماری‌ها

زنانی که در دربار عباسی زندگی می‌کردند، به‌دلیل برخورداری از امکانات مادی، در زمینه اقدامات عام‌المنفعه نیز بسیار فعال بودند. برخی از این زنان در ضمن سفرهایی که به مناطق مختلف دارالخلافه انجام می‌دادند، به کارهای اصلاحی و عمرانی از جمله ایجاد حوضچه‌ها، سقاخانه‌ها و احداث و تعمیر حمام و ... می‌پرداختند و بعضی با ارائه خدمات بهداشتی، به نیازمندان در جهت بهبود وضعیت بهداشت و پیشگیری از شیوع بیماری، اقداماتی انجام می‌دادند. چنان‌که زبیده در سفر حج در سال ۱۸۶ ق وقتی متوجه کم‌آبی در مکه شد، جهت آوردن آب شرب سالم دستور داد تا مهندسان و کارگران، آب دیگر مناطق را به منطقه مکه روان کنند.^۲

همچنین مردم مکه از آب قنات‌هایی استفاده می‌کردند که زبیده دستور ساخت آنها را داد و این بسیار امر مهمی است که زنی در قصر این‌گونه در جهت تأمین آب آشامیدنی سالم و عدم استفاده از آبهای آلوده برای حفر برکه و ساخت منبع‌های آب تلاش کند و آب را با لوله به شهر آورد تا مردم از آن بنوشند.^۳

همچنین زبیده برای فعالیت‌های خیرخواهانه خود، بیمارستانی به نفع زائران در مسیر مکه ساخت. توجه زبیده به امور درمانی تا آنجاست که در باب وجه تسمیه شهر تبریز، نقل است که زبیده به علت

1. Medical Services and Abbasid Ladies. Keren Abbou Hershkovits Ben Gurion University, Haifa University Sapir College. P. 126.

۲. ابراهیم حسن، *تاریخ سیاسی اسلام*، ج ۲، ص ۳۴۲.

۳. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۴۴۷.

بیماری، دچار تب بالایی شد که توسط یک پزشک درمان شد و به درخواست وی، شهری به نام تبریز (تب = ریز) بنا گردید.^۱ پس از زبیده، زنان بسیاری این راه را در جهت جلوگیری از آلودگی آب و پیشگیری از شیوع بیماری‌ها ادامه دادند، از جمله سیده مادر مقتدر، در سفر حج برای حفر چاه‌های آب آشامیدنی و بازسازی حوضچه‌ها و تأمین حقوق پزشکان، هزینه بسیاری صرف کرد.^۲ سلجوقه‌خاتون، همسر نورالدین، والی آمد، به همراه مادر معزالدین (حاکم شام) و دختر دقوس حاکم اصفهان در سال ۵۷۹ قمری به سفر حج رفتند و کارهای خیر و نیک این سه خاتون بسیار زیاد است، آنان در سفر مکه تسهیلات فراوانی برای سفر حاجیان ایجاد کردند و سقاخانه‌هایی که آب رایگان به حجاج می‌دادند حدود ۳۰ شتر و دولاب آبکشی داشتند تا جایی که حتی در عرفات و مسجدالحرام - در شب و روز - آب رایگان به حاجیان رسانده می‌شد.^۳

یکی دیگر از بانوان واقف در عصر عباسی، زمردخاتون از همسران خلیفه المستضی بامرالله بود که دستور ساخت مخازن آب را داد و به امور مربوط به برکه‌ها رسیدگی می‌کرد.^۴ ارسال خاتون همسر ملکشاه سلجوقی نیز دستور احداث قنات‌هایی در شهرهای دامغان، ری و قزوین را داد و سلسله قنات‌هایی در شهر یزد احداث کرد که تمام مردم شهر از آب آن استفاده می‌کردند.^۵

حمایت زنان درباری از پزشکان عصر عباسی و تأثیر آن بر پزشکان

در این دوره تحولات بسیاری در علم پزشکی به وجود آمد. زنان صاحب‌منصب مانند خیزران، زبیده و ... قدرت انتخاب پزشک مرد را داشتند و هرطور که مایل بودند به آنها بذل و بخشش می‌کردند.^۶ به نظر می‌رسد که ارتباط نزدیک بانوان درباری با پزشکان، یکی از انگیزه‌های خدمات بهداشتی و پزشکی زنان بوده است.

حمایت بسیار زیاد زنان عصر هارون الرشید از جبرئیل طیب و همچنین حمایت قبیحه مادر خلیفه معتز از ابراهیم بن ابرش طیب در منابع آورده شده است.^۷

۱. بناکتی، تاریخ بناکتی، ص ۱۵۲.

۲. سولاف، دورالجواری و القهرمانات، ص ۱۲۱.

۳. ابن جبیر، رحله ابن جبیر، ص ۲۸۱ - ۲۸۰ و ۲۳۲ - ۲۳۹.

۴. مصطفی، سیدات البلاط العباسی، ص ۱۷۵.

۵. کاتب، تاریخ جدید یزد، ص ۶۲ - ۵۹.

۶. ابن ابی اصیبه، ترجمه عیون الأنباء فی طبقات الأطباء، ج ۱، ص ۳۴۸.

۷. همان، ص ۴۲۷.

درباره جایگاه پزشکان نزد بانوان دربار و میزان نفوذ آنها در دستگاه خلافت عباسی، گفته می‌شود که عیسی الطیب البغدادی در ایام مقتدر، طبیب «زیدان» قهرمانه بود و عرایضی که نزد وزرا جمع می‌شد را مطالعه می‌کرد و هر کدام که صلاح می‌دانست را به دست قهرمانه می‌رسانید تا به خلیفه گزارش شود.^۱

نتیجه

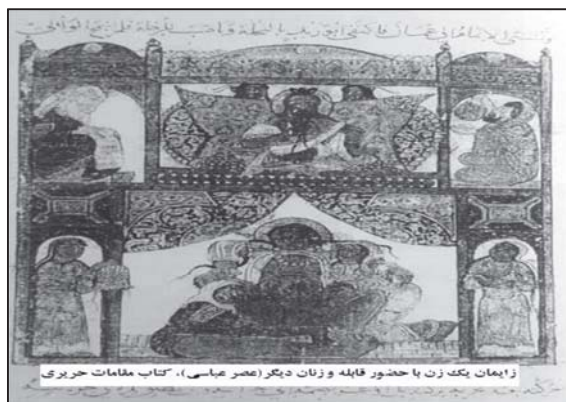
متکی بر منابع تاریخی، عصر خلافت عباسیان یکی از مهمترین ادوار تاریخ پزشکی بوده است زیرا با گسترش قلمرو امپراتوری اسلامی و برداشتن مرزهای تمدنی در سایه ایجاد گفتمان علمی در مراکز مفتوحه - به‌ویژه ایران - با میراث کهن جندی‌شاپور، شامات با میراث علمی مدارس حران، نصیبین، انطاکیه و رها (اروفا) و تسریع انتقال علوم از اسکندریه و هند به بیت‌الحکمه و ورود دانشمندان به بغداد به‌عنوان پایتخت این خلافت بزرگ با مدیریت دانشی ایرانیان و همه دانشمندان کم‌ادعای دیگر تمدن‌ها، رفته‌رفته علوم و به‌تبع آن علم پزشکی، پیشرفت شایانی کرد. در این توسعه و دامن‌گستری علمی، نقش همه اقشار جامعه به‌ویژه زنان - به‌عنوان فعالان عرصه درون و بیرون خانه - نایبستی نادیده گرفته شود. بنابراین تحقیقات درباره نقش و تکاپوهای آنان نشان داد که: زنان به‌عنوان مدیر و مسئول امور خانه که شأنی منزلتی برای زنان خانه‌دار است، مسئول مستقیم حفظ سلامتی اعضای خانواده هستند، ناظر به درمانگری سنتی متکی بر درمان‌های خانگی، می‌توان زنان را پیشگام و گاه مبدع در ترویج علم پزشکی تجربی خانگی دانست. زیرا با شناخت طبع خوراکی‌ها، استفاده از گیاهان دارویی، پرستاری، پیشگیری و تشخیص و درمان بیماری‌ها، خصوصاً طب زنانه و نگهداری از نوزادان، در ارائه خدمات پزشکی مؤثر بوده‌اند. تحقیقات نشان داد که یکی از حیطة‌های تخصصی بانوان در امور پزشکی که تا قرن‌ها در انحصار زنان بوده، حوزه مامایی و قابلیت بوده است که با ظهور اسلام و موضوع محارم و حفظ حرمت زنان، این موضع مؤکداً مورد حمایت اسلام قرار گرفت و تا به امروز هم زنان در این عرصه تخصصی پیشتازند. حفظ سلامت مادر و کودک و نیز نگهداری از مادر (زائو) در ۱۰ روز و یا ۴۰ روز در فرهنگ عامه و همچنین تاریخ پزشکی جایگاه خاصی دارد، علاوه‌براین پرستاری و نگهداری از سالمندان و یا بیماران لاعلاج و معلولان نیز از مهم‌ترین خدمات پزشکی زنان در طی قرن‌ها بوده است.

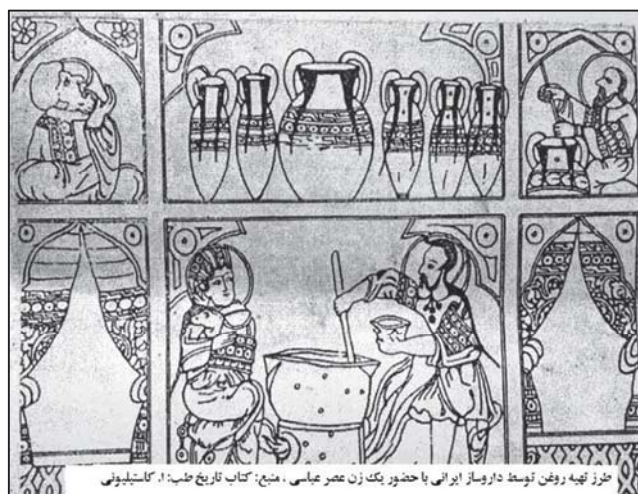
بررسی‌های تاریخی نشان داد که دانش پزشکی بر سنت تاریخ شفاهی استوار است و عمدتاً چون

۱. قفطی، تاریخ الحکماء، ص ۳۴۲.

علمی تجربی و متکی بر مشاهده بوده است، از پدر به پسر و از مادر به دختر منتقل می‌شده است، براین اساس انتقال تجارب اغلب به صورت موروثی و از نسلی به نسل دیگر صورت می‌گرفت. تحقیقات صورت گرفته نشان داد که در عصر عباسیان، زنان، با نفوذ به عرصه قدرت و سیاست، نقش به‌سزایی در خدمات عام‌المنفعه پزشکی ایفا کرده‌اند و فعالیت‌های عام‌المنفعه و تخصیص موقوفات بسیاری چون ساخت شفاخانه، مریض‌خانه و بیمارستان، تأمین خدمات پزشکی برای نیازمندان و زائران و حجاج حرمین شریفین، تأمین خدمات بهداشتی به‌منظور جلوگیری از شیوع بیماری‌ها و اهداء داروها و معجون‌ها به بیمارستان‌ها، با حمایت‌های مالی فراوان و به امر زنان درباری و یا با حمایت آنها انجام شد. نتیجه مشارکت زنان در حوزه پزشکی و خدمات مربوط به آن سبب شد تا حضور این زنان در بهبود وضعیت بهداشتی بانوان درباری و به تبع آن، زنان سایر طبقات مؤثر باشد.

پیوست





منابع و مأخذ

۱. ابراهیم حسن، حسن، *تاریخ سیاسی اسلام*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، جاویدان، ۱۳۷۱.
۲. ابن ابی اصیبه، أبو العباس، *عیون الأنباء فی طبقات الاطباء*، المحقق نزار رضا، بیروت، دار مکتبة الحیاة، بی تا.
۳. ابن ابی اصیبه، أبو العباس، *عیون الأنباء فی طبقات الاطباء*، ترجمه جعفر غضبان، تهران، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی ایران و ...، ۱۳۸۶.
۴. ابن اثیر، علی بن محمد، *اسد الغابه*، به کوشش علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.

۵. ابن جبیر، محمد بن احمد، *رحلة ابن جبیر*، بیروت، دار و مكتبة الهلال، بی تا.
۶. ابن جلجل، ابی داوود سلیمان بن حسان الاندلسی، *تاریخ الاطباء و الحكماء*، تحقیق فواد سید، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۵ م.
۷. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه گنابادی، تهران، نشر علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
۸. ابن سعد، محمد بن سعد، *الطبقات الكبرى*، ج ۸، محق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ق.
۹. ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین، *الأغانی*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق.
۱۰. بلاتیان، ندا و دیگران، «بازشناسی ویژگی های معماری ایران و بازتاب آن در معماری عثمانی»، *فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات هنر اسلامی*، شماره ۲۵، سال دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.
۱۱. بناکتی، ابوسلیمان داود بن ابی الفضل، *تاریخ بناکتی*، تصحیح جعفر شعار، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸.
۱۲. پورمن، پتر ای و ساواژ اسمیت، *پزشکی اسلامی در دوره میانه*، ترجمه قربان بهزادیان نژاد، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۳.
۱۳. تنوخی، محسن بن علی، *نشوار المحاضرة وأخبار المذاكرة*، تحقیق أبوعلی البصری، بی جا، ۱۳۹۱ ق.
۱۴. جوزجانی، ابواسحاق، *احوال الرجال*، تحقیق عبدالعلیم البستوی، پاکستان، حدیث اکادمی، بی تا.
۱۵. جوینی، عطاملک بن بهاءالدین، *تاریخ جهانگشای جوینی*، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۵.
۱۶. رازی، ابوبکر محمد بن زکریا، *الحاوی*، المحقق هیثم خلیفه طمیمی، ج ۴، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۱۷. راوندی، محمد بن علی، *راحة الصدور*، تحقیق محمد اقبال و مجتبی مینوی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۱۸. الزهراوی، خلف بن عباس، *التصريف لمن عجز عن التأليف*، تصحیح صبحی محمود حمامی، کویت، إدارة الثقافة العلمیه، ۲۰۰۴ م.
۱۹. الزهراوی، خلف بن عباس، *الجراحة*، راند، المقالة الثلاثون من التصريف لمن عجز عن التأليف، تحقیق عبدالعزیز ناصر الناصر، كلية الطب جامعة الملك سعود، بی جا، ج ۳، ۱۴۲۲ ق.

۲۰. الگود، سیریل، *تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه دکتر باهر فرقانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.
۲۱. سولاف، فیض‌الله حسن، *دورالجواری و القهرمانات فی دار الخلافة العباسیة*، بغداد، مکتبه عدنان، ۲۰۱۳ م.
۲۲. صفوری، عبدالرحمن بن عبدالسلام، *نزهة المجالس و منتخب النفائس*، تحقیق عبد الوارث محمد علی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۹ ق.
۲۳. طاووسی، سعید و میثم جلالی، *دانشنامه جهان اسلام*، زی‌رنظرغلامعلی حداد عادل، تهران، مرکز دایرة‌المعارف بزرک اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی)، ۱۳۹۲.
۲۴. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الأمم و الملوک*، محقق محمد ابراهیم، بیروت، روائع التراث العربی، ۱۳۸۷ ق.
۲۵. طسوجی تبریزی، عبداللطیف، *هزار و یک‌شب*، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۷.
۲۶. العسقلانی، احمد ابن حجر، *الإصابة فی تمييز الصحابة*، تحقیق عادل أحمد و ...، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
۲۷. عیسی، أحمد، *تاریخ البیمارستانات فی الإسلام*، بیروت، دار الرائد العربی، ۱۴۰۱ ق.
۲۸. القرطبی، أبو عمر یوسف، *الاستیعاب فی معرفة الأصحاب*، المحقق علی محمد البجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ ق.
۲۹. قفطی، علی بن یوسف، *تاریخ الحكماء*، گردآورنده بهین دارایی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷ و ۱۳۷۱.
۳۰. کاتب، احمد بن حسین، *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار، تهران، اندیشه، ۱۳۸۴.
۳۱. الگود، سیریل، *طب در دوره صفویه*، ترجمه محسن جاویدان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.
۳۲. گیرشمن، رومن، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۲.
۳۳. مستوفی، حمدالله، *تاریخ گزیده*، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۳۴. مصطفی، جواد، *سيدات البلاط العباسی*، بیروت، دار الکشاف، ۱۹۵۰ م.
۳۵. معین، محمد، *فرهنگ معین*، با کوشش سید جعفر شهیدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۱.
۳۶. یعقوبی، ابن واضح، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶.
37. Medical, services and 'Abbasid Ladies. Keren Abbaou Hershkavitd' Ben Gurion University, Houfa University sapircolllego, 2014.